جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

دوشنبه ۳ تیر ۱۴۰۱ شماره ۶۲۶۸

سلام بر شهید کانال کمیل

۸

نگاهی اجمالی به فرصت همکاری‌های مشترک دو همسایه

تاثیرپذیری فرهنگی ترکیه از ایران در طول تاریخ

۱۱

گفت‌وگو با پوریا آذربایجانی
کارگردان سریال «برف بی‌صدا می‌بارد»

باید قصه را کوتاه‌تر می‌نوشتند

۶

گفت‌وگو با داوود سماواتی‌یار، تهیه‌کننده

دست‌آفریده‌های نوگرایان هنر

داوود سماواتی‌یار با ساخت مستند «دست‌افریده‌ها» تلاش داشته مخاطبان را با هنرهایی آشنا کند که در کشور با مشقت زیاد و بعد از سال‌های متمادی همچنان تداوم پیدا کرده است ولی شناخت زیادی درباره‌اش نداریم.

۷

رسانه

رابعه اسکویی، بازیگر:

نقش «طلا» از من دور بود

۷

فرهنگی

نقدی بر فیلم «طلاخون» به کارگردانی ابراهیم شیبانی

ایده‌ای که هدر رفت

۱۰

فرهنگی

«جام جم» گزارش می‌دهد

برنامه‌ریزی صهیونیست‌ها برای نفوذ فرهنگی در اعراب

۱۱

یادداشت

به بهانه دهمین اجلاس رایزن‌های فرهنگی جمهوری اسلامی

سازمانی با رسالت صدور فرهنگ و تمدن اندیشه

رضا رسولی
نویسنده و منتقد

وقتی در سال ۱۳۷۴(بنا به پیشنهاد جمعی از مسئولان فرهنگی کشور و تصویب شورای عالی تبلیغات خارجی و تایید مقام معظم رهبری) معاونت‌های تخصصی و مرتبط در وزارت خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی ادغام شدند و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تشکیل شد، امیدها و نویدهای فراوانی برای صدور بیش از پیش فرهنگ، اندیشه و تمدن ایران اسلامی و انقلاب اسلامی در دل‌ها زنده شد.

و امروز همزمان با برگزاری دهمین اجلاس رایزن‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در سراسر جهان که در تهران برگزار می‌شود، فرصت مناسبی فراهم شده تا با نگاهی گذرا به اساسنامه این سازمان، نکاتی درباره توسعه ظرفیت‌های تخصصی این سازمان بیان شود.

در فصل اول اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وظایف آن در سه بخش پیش بینی شده است:

الف) سیاستگذاری، هدایت، نظارت و هماهنگی

ب) فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی

ج) امور اجرایی

در تمام این سال‌ها، برپایی نمایشگاه کتاب، اجرای کنسرت، برگزاری هفته فیلم سینمای ایران، برگزاری همایش‌ها و هفته‌های فرهنگی از جمله اقدامات شایسته ستایش این سازمان بوده است که حتما استمراران مفید فایده خواهد بود.

اما انتظار می‌رود که در آستانه آغاز دهه چهارم فعالیت این سازمان، پنج موضوع به صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد:

توجه به روزآمدی فعالیت‌ها. در همین راستا با توجه به توسعه روزافزون شبکه‌های اجتماعی، توجه به تولید و انتشار محصولات فرهنگی دیجیتال می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های روزآمدی، متجلی شود.

در گستره فعالیت‌های مربوط به کتاب و کتابخوانی، تمرکز روی معرفی نویسندگان نسل انقلاب و آثار مربوط به ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، فرصت‌های بزرگی را در مسیر معرفی فرهنگ و تمدن انقلاب اسلامی فراهم خواهد کرد. شناسایی بیش از پیش اصحاب فرهنگ و هنر ایرانی مقیم خارج از کشور، علاوه بر ایجاد زمینه مناسب برای مبادلات محصولات فرهنگی، امکان آشنایی بیش از پیش ایرانیان خارج از کشور را برای آشنایی با دستاوردهای فرهنگی و هنری بعد از انقلاب فراهم خواهد کرد.

پرداختن به موضوع هنر و ادبیات مقاومت و توسعه فعالیت‌های مربوط به این گستره از غرب آسیا به سراسر جهان، عملا سبب توسعه جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی خواهد شد.

شایسته‌گزینی در انتخاب رایزن‌های فرهنگی، مهم‌ترین اقدام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مسیر نیل به اهداف سازمانی به حساب می‌آید. در همین زمینه به‌نظر می‌رسد که این سازمان باید با گذار از وضعیت کارمند - رایزن به مرتبه هنرمند، متفکر - رایزن صعود کند تا بتواند با به‌کارگیری یک ترکیب جمعیتی کارآمد، رسالت‌های بزرگ فرهنگی خود را به انجام رساند.

عمق میدان

ما در چه موقعیتی هستیم؟

سینمای لیبرال با کارت شهروندی شیطان

بخش دهم

میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

در قسمت‌های پیشین این سلسله مطالب گفتیم که انقلاب اسلامی نقطه عطف تازه‌ای در تاریخ اسلام و انتظار مهدی موعود(عج) است و همین انفجار نور حقیقت است که اهل فساد در زمین (چه در داخل و چه در خارج) را هراسان کرده است. توطئه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی جز این دلیلی ندارد. جنگ سیاسی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک، هنری، تبلیغی و کشتار نظامی و قتل‌عام مسلمانان هرگز چنین سابقه جهانی نداشته و مقایسه جنگ‌های صلیبی با جنگ امروز کفر با دین اسلام ناب محمدی قیاسی اشتباه‌کارانه است. در جنگ‌های صلیبی دامنه نظامی، قدرت سلاح، ابعاد وانموده و سناریوی جنگ، عمق توطئه، ابزارهای پیچیده اغوای مسلمانان و نفوذ در آنان و استفاده از آنان علیه دین و اسلام، قدرت فریب رسانه، استفاده از تصاویر سینمایی و بازنمایی و وانموده‌های بس قدرتمند برای ترکاندن از درون، هرگز قابل مقایسه با امروز نیست. مهم‌تر از همه در آن جنگ یک طرف حکومت‌های منافق بود به اسم اسلام و یک طرف کلیسا و حکومت‌های منافق بود به اسم مسیحیت! امروز یک طرف حکومت اسلامی و اسلام ناب محمدی است و سوی دیگر همه تمدن کافرانه و همه منافقان. حال بهتر می‌توانیم دریابیم در این جنگ، جایگاه سینما، همچون هنر مدرن تکنولوژیک و جهانی، چه جای مهمی است. اینک ادامه مطلب.

نقش وانموده‌های سینما در این جدال آخرالزمانی ظلم و عدل، نقشی ماهوی است. سینما آینه و روح مدرنیته است و سرمایه‌داری جهانی کالبدی برای حیات روح کافرانه، کالبدی زنده برای مدرنیته به‌شمار می‌آید. سینما از بدو زادنش با اسلام در ستیز بوده نه‌تنها با فیلم ادیسون و ملی یس علیه اسلام بلکه با همه سینما، علیه خدا و اسلام به جنگ برخاسته؛ حتی با فیلم‌های مذهبی درباره میسیونرها، حتی با ده فرمان، السید و بن‌هور، با ستارگان اغواگر و برهنگی و سکس و پورنو، با شکوه دکورها و رؤیاهای انسان لائیک و سکولار، با گسست از سبک زندگی دینی و ترویج اباحه‌گری، با رواج نگاه مذهبی انسان‌محور و نه خدایی که جاری در همه ذرات و لحظات حیات است، با ترویج نگرش نیست انگارانه و بت نفس‌پرستی و حکمروایی میل بر سرزمین وجود و عقل گسسته از خرد الهی با رواج همه بحران‌های خشونت و شهوت‌پرستی و جنگ با نوامیس و قوانین هستی و فطرت سالم و رواج همجنس‌بازی و زنا که ختم شده به زنا با محارم و....

می‌بینیم محدود کردن جنگ سینما با ا...، به جنگ سینمای سیاسی به چشم آگاهی خاک می‌پاشد و ندیدن عمق میدان جنگ سینما با حق و با اسلام و روح‌الهی انسان و هدایت قرآن و جنگ با معصوم و به‌ویژه معصوم منتظر است که تا همین جشنواره آخر اسکاروکن و تلماسه و عنکبوت مقدس و برادران لیلا تداوم یافته و ندیدن این ماهیت سینمای جهان مدرن خطای استراتژیک است.

امروز چهره دیگر جنگ جهل و بت‌پرستی مدرن را با معرفت ا... و حقیقت و سرچشمه حیات باید چنین درست بفهمیم و این تنها تفسیر و تحلیل عمیق ریشه جنگ سینمایی کنونی است. غربگرایان برای آن‌که انجام وظیفه کرده باشند، مبلغ یک روش تسلیم‌طلبانه برابر شیطنت اراذل متمدن مدرنند. خط این است که به بهانه‌های مختلف و مهم نبودن و دنبال خط آنان نرفتن، به حواشی دلخواه خود که همان خوش‌خدمتی و سطحی‌نگری درباره سینما و سینماگران غربگرای ایران است، بپردازید.

خط سینمای لیبرال چیست؟

اتفاقا موضوع بی‌ارزشی عنکبوت مقدس و شوآف نوکرمآبانه عروسکانی مثل امیرابراهیمی و فراهانی و... و بازی فمینیستی بیمار و دروغگوی زنان و مردان ضد جمهوری اسلامی، هیچ ربطی ندارد به ضرورت بیداربودن نسبت به روند ممتد توطئه وحشیانه ستیز با اسلام و مردم ایران و انقلاب اسلامی و امام مهربان که جان و روح ایران است. این جنگ شوم غرب در همه عرصه‌های ایدئولوژیک، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی واقعی‌ترین چالش انقلاب بت ضد انقلاب بوده است و جنگ جشنواره‌ها و سینما با انقلاب اسلامی مدام ادامه داشته و اکنون به دلایل متعدد که مفصلا خواهم گفت چیستند، وارد فاز جدیدی شده چون طنین مرگ از تلاش رئیسی شنیده‌اند. توهین به عصمت امام رئوف و مظلوم به‌وسیله دریدگی فحشا و زشتکاری عیان و وقیح از بیچارگی‌شان است. تحلیل این رفتار خصمانه و کینه‌توزانه فاسدان جهان علیه پاکی اسلام و انقلاب اسلامی خیلی هم ضروری، مهم و آگاهی‌بخش است. روش دارکوبی غرب تکرار نخ‌نمای سمیولاکروم و نکته‌های ظلمانی برای عادی‌سازی و پرده‌دری و کم‌کم تبدیل‌شان به باور عمومی و فسادخیزی بزرگ در مسیر رؤیای شیطانی‌اش است و این یعنی هویت‌زدایی از ملت! کورکردن بیداری مردم نسبت به این حقیقت جنایت رسانه‌ای است. خط لیبرال‌ها این است:

۱- این توطئه‌ها مهم نیست، کاری نکنید.

۲- صدور بیانیه گناه کبیره است، کار ما سکوت است و اجازه به اثربخشی توطئه! (بگذریم که بیانیه‌های دولت علیه کن سطحی و مشکلش عدم قاطعیت بود و ضعف شجاعت)

۳- انحراف موضوع با طرح یک پیشنهاد غلط و فراهم‌کردن زمینه از پیش برای تولید سوژه تبلیغ علیه دولت آقای رئیسی و در فشار گذاشتن‌اش برای اتخاذ سیاستی لیبرال برای جشنواره فیلم فجر آینده.

۴- اقایان لیبرال سینما و دارای کارت شهروندی شیطان یک ایده غلط را جا انداختند: جشنواره آینده آثارش محصول دولت آقای رئیسی است!

این دروغی آشکار است برای آینده یورش به رئیس جمهور! زیرا ساختار سینمای ما از بن و ریشه نیازمند تحول است.

۵- همچنین نهان‌کردن بی‌شرمی حقیقت رفتار سلبریتی‌ها و کارگردانی مثل فرهادی و روستایی در سخنان ضد ایران و مظلوم نشان‌دادن آنها. در حالی که آنان یکی از نمادهای پرورش پرمدعا و ننرجشنواره توسری‌خور فیلم فجرند. خود وجود روستایی، اثبات فقدان کامل یک شخصیت مستحکم و بنیان استوار سینمایی و بهره‌مندی دشمنان انقلاب از بیت‌المال و رانت‌های بزدلان است و جوایز ناحق به فیلم «ابد و یک روز». جایزه یک فستیوال خصوصی به فرهادی و روستایی، قابل فهم است اما یک جشنواره دولتی برای چه باید ضد پروتکلش به اثری مریض و ضدملی جایزه بدهد؟

۶- کار برنامه‌های نابینا همچنین تبلیغ آثار گوشه‌دار و گاه خصمانه و فشار برای پذیرش‌شان است.

۷- پراکندن ایده غلط این‌که ما جشنواره‌ای مثل آنها غیرایدئولوژیک و با ایدئولوژی‌های گوناگون برپا کنیم و اجازه دهیم آثارشان در آن شرکت کنند. این ایده از هر سو غلط است. اولا جشنواره‌هاشان کاملا ایدئولوژیک است. ثانیا مگر آنان فیلم مدافع جمهوری اسلامی را می‌پذیرند که از گرد هم آمدن آثار فمینیستی و... در جشنواره فجر حرف می‌زنیم!

برش

سخنی با نیروهای سالم و متدین سینمای ایران

به کار گرفتن برخی کارگردان‌ها برای این‌که درباره امام معصوم فیلم بسازند و در همان حال چشم بر جنایت‌های جریان کفرآلود در سینمای ایران و فساد و فحشا و از همه بدتر دشمنی شان با خدا ببندند و متنی با احساسات نامعقول و ضد واقعیت فراهم آورند، بیشتر خود را به آن راه زدن است و به سادگی از توهین سلمان رشدی و ارتد به پیشوای معصوم، امام رضا(ع) چشم پوشیدن. استفاده ابزاری از این کارگردانان از آنجا مسلم است که به جای دفاع از جریان پاک سینمای ایران (که پس از انقلاب در رأس تغییرطلبی پیشرو، رشد خرد سینمایی و زیبا شناسی مستقل بوده) از کل پاکی سینما و بانوان و آقایان دست‌اندرکار سینمای ایران حرف می‌زنند. این موضع، آزاردهنده است چون بر دشمنی با خدا و ائمه هدایت و انقلاب در سینمای ما پرده می‌کشد. این درست که در سینمای ما آثاری با نگاه مثبت و حق خواهانه و حتی نسبت به مرقد مقدس امام هشتم ساخته شده و ذره‌ای از عظمت حضور زنده‌اش را نمایش داده اما اولا امام رضا(ع) کجا و این نگاه بس کوتاه کجا و ثانیا ضمن تقدیر، نباید طلبکار بود که بدهکار قصور و تقصیر خودیم و غرق نعمت اوییم و نمی‌دانیم و ثالثا سینمای فاسد ما با هر فیلم مروج اباحه‌گری و محتوای مبتذل، در سم خوراندن عباسی دیروزی و امروزی به سرچشمه پاکی و خرد و رأفت شریک است و کار ارجمند سینمای شریف ربطی به توجیه این سینمای فاسد ندارد. کاش کارگردانان، هنرمندان متدین و اهل معرفت و نیروهای سالم و متخصص فنی سینما گرد می‌آمدند. فعال از امام معصوم دفاع می‌کردند. درک این که بازی جهانی چه معنایی دارد و زدن کانون پاکی و عصمت و ترویج نور و سلامت جان و گریز از گناه و وهم امکان نابودی و قتل امام زنده و آستان مقدس فعال او، چقدر برای شیاطین و گناه پیشگان جهانی و نهادهای گناه پیشه‌شان چون جشنواره‌های ستیزه‌گر با اسلام حیاتی است و آنان و همدستان ایرانی سینمای شیطانی فقط باید مطرود و ملعون شمرده شوند، آیا برای اهل ایمان خیلی مشکل است؟